

نفوذ سیاسی و اقتصادی سپاه در ایران

این مقاله در [الجزیره 26 دسامبر 2013](#) منتشر شده است

حضور نظامیان در سیاست امر عجیبی نیست. اکثر نخست وزیران و وزرای کابینه های اسرائیل ژنرال های ارتش بوده اند. آنان در کنست هم همیشه حضوری چشمگیر داشته اند. گفته اند همه دولت ها دارای ارتش هستند، اما اسرائیل ارتشی دارای دولت است. سیاست و اقتصاد مصر از زمان کودتای ناصر در 1952 تاکنون در کنترل نظامیان بوده است. در پاکستان نیز از دهه 60 میلادی تاکنون ارتش قدرت اقتصادی و سیاسی بسیاری داشته است. در ترکیه ارتش نه تنها 3 بار دست به کودتا زد، بلکه از قدرت سیاسی فزاینده ای برخوردار بود که اسلام گرایان در دوران اخیر آنان را از سیاست عقب راندند.

مطابق اصل 110 قانون اساسی ایران، "فرماندهی کل نیروهای مسلح" بر عهده رهبری است، که به ترتیب زیر اعمال می گردد:

"الف - نصب و عزل رئیس ستاد مشترک. ب - نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ج - تشکیل شورای عالی دفاع ملی، مرکب از هفت نفر از اعضای زیر: - رئیس جمهور. - نخست وزیر. - وزیر دفاع. - رئیس ستاد مشترک. - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. - دو مشاور به تعیین رهبر. د - تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع. هـ - اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع".

از این جهت مشابه نظام های دموکراتیک است که فرماندهی نیروهای مسلح و اعلان جنگ و صلح با غیر نظامیان منتخب است، با این تفاوت که جمهوری اسلامی نظامی دموکراتیک نیست.

زاده شدن سپاه

سپاه همزمان با روزهای آغازین پیروزی انقلاب به منظور دفاع از انقلاب در برابر "ضد انقلاب" (سلطنت طلبان) تشکیل شد و چند ماه بعد در اصل 150 قانون اساسی با هدف "نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا ماند".

درست روز بعد از پیروزی انقلاب جنگ در کردستان آغاز شد و حدود یک ماه بعد جنگ اول گنبد شکل گرفت. بعد هم درگیری ها خوزستان پدید آمد. سپاه در همه این درگیری ها حاضر بود. طرف نزاع نیروهای رژیم سابق نبودند، اما سپاه در حال دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی بود. بدین ترتیب، سپاه در منازعه سیاسی زاده شد و شکل گرفت. یعنی در درگیری و جنگ ساخته شد. تا زمان تشکیل وزارت اطلاعات در 1363/5/27، بسیاری از اقدامات اطلاعاتی و امنیتی توسط سپاه انجام می شد. تجاوز نظامی صدام حسین به ایران و جنگ 8 ساله ای که به دنبال آورد، قدرت نظامی و سیاسی سپاه را افزایش داد.

آیت الله خمینی به شدت مخالف ورود سپاه به نزاع های سیاسی داخلی بود. اما با کمی اغراق می توان مدعی شد که جنگ 8 ساله و رویارویی با گروه هایی که به طور مسلحانه می خواستند رژیم را سرنگون سازند، سپاه را به یک حزب مسلح غیر یکپارچه سیاسی تبدیل کرد.

دوران آیت الله خامنه ای

با پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور، خامنه ای و هاشمی رفسنجانی رسماً سپاه را وارد فعالیت های اقتصادی کردند. البته در کشورهایی که رانت مواد اولیه (نفت، و...) وجود دارد، قدرت سیاسی مهمترین راه کسب قدرت اقتصادی و ثروتمند شدن است. سپاه اینک یک نهاد قدرتمند اقتصادی است که در سال گذشته 8 درصد پروژه های اقتصادی کشور را در دست داشته است. به گفته احمد توکلی، نماینده اقتصاد دان مجلس، کمتر از 10 درصد اقتصاد (تولید ناخالص داخلی؟) در دست سپاه قرار دارد (رجوع شود به مقاله "[هزینه بالای توان اقتصادی سپاه در ایران](#)").

بسیاری از سپاهیان به نهادهای دیگر رفتند. نیروهای سپاه در پارلمان، قوه مجریه، قوه قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شهرداری و... حضور دارند. آیت الله خامنه ای گفته است: "سپاه پاسداران، یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور شده در طول این بیست و هفت هشت سال" (تابناک، 88/6/24). با این همه، سرلشکر جعفری - فرمانده کل سپاه پاسداران - در 1392/9/2 [گفت](#): "تا زمانی که پست های کلیدی نظام و سلسله مراتب مسئولیتی در کشور توسط نیروهای انقلابی و بسیجی و با این تفکر اشغال نشود و غالب نشود ما همچنان در مرحله سوم انقلاب [اسلامی شدن همه دستگاه های نظام] خواهیم ماند".

دخالت سپاه و بسیج در تقلب انتخاباتی و رئیس جمهور کردن محمود احمدی نژاد از سال 1384 به موضوعی چالش برانگیز تبدیل شد. محمد باقر ذوالقدر، قائم مقام وقت فرمانده کل سپاه، به نقش موثر آن نیرو در رئیس جمهور کردن احمدی نژاد، در همایش فرماندهان بسیج اداری و کارگری، اشاره کرد و [گفت](#):

"نیروهای اصول گرا بحمدالله با طراحی درست و چند لایه توانستند در یک رقابت واقعی و تنگاتنگ، حمایت اکثریت مردم را به خدمتگزاری بیشتر و موثرتر به آنها جلب نمایند. محمود احمدی نژاد، نماد اصولگرایی، دین باوری، انقلابی گری و عدالت ورزی است" (روزنامه ایران، 1384/4/18).

انتخابات ریاست جمهوری 88 پرسش برانگیزتر از کار درآمد. یک نمونه از دخالت صریح سپاه در سیاست و اقتصاد به سود احمدی نژاد، که البته به سود خودشان نیز بود، موضوع طرح حذف سوبسیدها بود. احمدی نژاد خواستار اختیار مطلق برای اجرای لایحه حذف یارانه ها بود. مجلس قصد داشت تا اختیارات او را محدود سازد. سرلشکر فیروزآبادی - رئیس ستاد کل نیروهای مسلح - در 88/9/17 خواستار آن شد که مجلس به خواست احمدی نژاد تن در دهد و مجلس روز بعد چنین کرد. [فیروزآبادی گفت](#):

"امروز شکرانه شجاعت و فداکاری آقای دکتر احمدی نژاد و دولت محترم آن است که مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم با نگاه کمک به دولت، تسهیلات بیشتری برای اجرای این اقدام بزرگ که به عمل جراحی در اقتصاد ایران شهرت یافته است، برای دولت در نظر بگیرند... استدعای ما به عنوان یک برداشت عمومی از منافع این لایحه آن است که مجلس تا آنجا که می‌تواند دولت را یاری کند".

ویران سازی گسترده احمدی نژاد و اعتراض های گسترده به نقش سپاه در سیاست موجب شد تا آیت الله خامنه ای در انتخابات ریاست جمهوری سال 92 به سپاه و بسیج دستور دهد تا از دخالت در انتخابات خودداری ورزند. بدین ترتیب، کاندیداهای اصول گرایان رأی نیاوردند و انتخابات را به حسن روحانی مورد تأیید اصلاح طلبان و هاشمی رفسنجانی باختند.

دلیل حضور سپاه در سیاست

گفتیم که سپاه از روز اول با درگیری سیاسی زاده شد. با این همه، دو دلیل دیگر نیز می‌توان برای تبیین حضور سپاه در سیاست برشمرد:

اول- ایران در منطقه ای از جهان قرار گرفته که تهدیدات خارجی بسیاری را متوجه آن کرده است. 35 سال در خطر حمله نظامی خارجی (عراق، آمریکا، اسرائیل، و...) به منظور سرنگونی رژیم قرار داشتن، وضعیت را امنیتی کرده و این متغیر موجب افزایش حضور سپاه در سیاست شده است. سپاه در مسائل سیاست خارجی هم نفوذ دارد (رجوع شود به مقاله "[سپاهیان عملگرا؛ چرا نظامیان ایران معامله با آمریکا را به هم نخواهند زد](#)").

دوم- سیاست به معنای توان بسیج نیرو است. سپاه سازمان یافته ترین نهاد سراسری کل کشور بوده و هیچ نیروی سیاسی دیگری دارای قدرت سازمان یافته سراسری در کل کشور- در حد و اندازه سپاه- نیست.

حذف رقبای سیاسی

سرلشکر جعفری در هفته آخر شهریور 92 [گفت](#) که رسالت اصلی سپاه حفظ انقلاب و مقابله با تهدیدات داخلی مسلحانه (کردستان، بلوچستان، و...) و غیر مسلحانه (حرکت های اعتراضی سال های 1378 و 1388، تهدیدات سیاسی و فرهنگی) است. حرکت اعتراضی 88 "به مراتب سنگین تر و جدی تر از جنگ" 8 عراق علیه ایران بود، چون برنامه ریزش دولت آمریکا بود. جعفری می افزاید:

"زمانی که دیدگاه های انحرافی سیاسی می‌خواهد برخلاف قانون در نظام ورود پیدا کند و اثرگذار باشد، مانند فتنه سال 88 که مبنای سیاسی داشت و بعدا به موضوع امنیتی تبدیل شد سپاه وارد عمل می‌شود و سپاه باید با هوشیاری و اشراف اطلاعاتی، مسائل سیاسی را پیش‌بینی و هشدارهای لازم را بدهد".

در واقع سرکوب جنبش سبز و بازداشت رهبران و اعضای آن، هیچ ربطی به آمریکا نداشته و آن حرکت اصلاح طلبانه توسط افرادی رهبری می‌شد که از مقامات بلند پایه سه دهه گذشته رژیم بودند.

هوشیاری خامنه ای نسبت به خطر

خامنه ای که سپاه را وارد اقتصاد و سیاست کرد، از آنان برای بقای نظام، بسط قدرت خود و زمامداری خودسرانه استفاده کرد. قدرت سپاه بسیار کمتر از قدرت نظامیان در مصر و پاکستان است. خامنه ای فراتر از اختیار قانونی اش،

اولاً: نه تنها فرمانده کل سپاه، بلکه اکثر فرماندهان سپاه و بسیج را خود منصوب می کند.

ثانیاً: برای فرماندهان نظامی احکام 3 ساله و 5 ساله صادر کرده و در بسیاری از موارد، قبل از پایان حکم، آنان را تغییر داده و جا به جا می سازد تا کسی برای خود جای پای سفت نکند و به فکر کودتا نیفتد. نظامیان باید در خدمت سلطان و روحانیت باشند، نه این که بخواهند کنترل کشور را در دست گیرند.

خروج از سیاست و اقتصاد

نهادهای اقتصادی سپاه، اولاً: شفاف نیستند. ثانیاً: تحت نظارت مجلس و دیگر نهادها قرار ندارند. ثالثاً: قدرت نظامی، قدرت سیاسی و دسترسی به اطلاعات، آنان را در مقامی قرار داده که بخش خصوصی نمی تواند وارد رقابت با آنها شود. رابعاً: بازیگری همزمان نقش های نظامی، سیاسی و اقتصادی به شدت فساد آفرین است.

بنابراین نمی توان و نباید به طور همزمان این سه نقش را بازی کرد. خروج سپاه و بسیج از سیاست و اقتصاد، حاصل سه فرایند است:

اول- اراده سیاسی خود نظامیان مبنی بر این که آنان باید به وظایف حرفه ای و بلند مدتی چون حفظ تمامیت ارضی کشور و امنیت ملی بیندیشند، نه منافع روزمره سیاسی و اقتصادی.

دوم- اراده سیاسی آیت الله خامنه ای برای خروج سپاه از سیاست و اقتصاد.

سوم- بدون قدرتمند شدن مردم از طریق سازمان یابی های متنوع و متکثر، توازن قوا میان دولت و جامعه مدنی ساخته نخواهد شد و بدین ترتیب دموکراسی هم زاده نخواهد شد. خروج سپاه از اقتصاد و سیاست تا حدود زیادی معلول توازن قوای بقیه نیروهای مدنی است که باید بسازند. توازن قوا اساس کار است. دموکراتیک ترین قانون اساسی در پیشرفته ترین دموکراسی های جهان، در نبود توازن قوا، به سود اقشار بسیار ثروتمند تفسیر خواهد شد. در ایران هم باید مردم از طریق سازمان یابی های متنوع و متکثر قدرتمند شوند، تا دموکراسی ساخته شود.